



در شماره پیشین تحت عنوان اسلام و زندگی پس از بیان معنای حیات و زندگی مراحل سه گانه حیات را تحت عنوان حیات حیوانی و انسانی و الهی از منظر قرآن و حکمت و شریعت بررسی کرده است، اکنون در ادامه آن به بیان حیات حقیقی در میان مراتب سه گانه حیات می‌پردازد.

اسلام و حیات حقیقی انسان

مراتب سه گانه حیات، عبارت از حیات حیوانی و انسانی و الهی است حال با توجه به این مراتب، حیات حقیقی انسان کدام است، این که خدا از مؤمنان خواسته است تا در پرتو اجابت دعوت خدا و پیامبر به حیات برسند، مقصود کدام حیات است قرآن فرمود: «یا ایهاالذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ (1) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی آن چه که به شما حیات می‌بخشد، دعوت می‌کنند.»

روشن است که مراد از این حیات، حیات و زندگی ظاهری و جسمانی و به عبارت دیگر، حیات گیاهی و حیوانی یا جسمانی و مادی نیست، زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که از آن زندگی بهره‌مندند، یعنی مؤمنان زنده به حیات ظاهری و مادی مخاطب خدای سبحان هستند و این روشن می‌کند که آن‌ها به حیات دقیق و عمیق دعوت شده‌اند که آن حیات حقیقی است و آدمیان در پرتو اندیشه و ایمان به خدا و قیامت و عمل به پیام الهی و توجه به هدف خلقت و حرکت و تلاش در راستای این هدف می‌توانند به آن نائل شوند.

هدف منطقی و متعالی قرار گرفته است تحصیل این حقیقت جز از طریق علم و ایمان و عمل صالح میسر و مقدور کسی نخواهد بود، و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند مؤمنان را بدان وعده داده و فرمود: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طیبه؛ (2) هر کس از مرد و زن عمل صالح انجام دهد در حالی که اهل ایمان باشد، پس البته او را زنده داریم به زندگانی پاکیزه.»

بنابراین حیات حقیقی انسان از نگاه اسلام حیاتی نیست که به حیات و زندگی مادی محدود گردد آن گونه که طایفه‌ای از منکران مبدأ و معاد تصور می‌کردند و در مقابل پیامبر(ص) می‌گفتند: «و قالوا ما هی الاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا» (3) و یا می‌گفتند: «ان هی الاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین» (4) خداوند سبحان در مقابل چنین پندار باطلی از مفهوم حیات فرمود: «و ما هذه الحیاة الدنیا الاّ لهو و لعب و انّ الدار الاخرة لهی الحیوان لو كانوا یعلمون» (5) بلکه حیات حقیقی انسان به حیاتی اطلاق می‌شود که سیر آن در جهت اهداف اخروی قرار گرفته و پرده‌های حجاب اوهاهم که حایل میان ظاهر و باطن است را کنار زده و بر مدار حقیقت هستی قرار گیرد. اسلام خواسته است که انسان را علاوه بر توجه به جسم و بر آورده ساختن نیازهای جسمانی، او را به اصل و حقیقت خویش، آشنا سازد و به تلاش در استکمال آن وادار نماید، شعار اسلام این است که:

اقبل علی النفس و استکمل فضائلها

فانت بالنفس لبالجسم انسان

یا خادم الجسم کم تسعى لخدمته

اتطلب الريح مما فيه خسران

ای انسان به روح و نفس خویش توجه کن و فضائل آن را تحصیل نما که انسانیت تو در آن است نه در جسم تو.

ای خدمت کننده جسم چه قدر در خدمت به آن اهتمام داری، آیا سود را در چیزی طلب می‌کنی که جز زیان در آن نیست، انسان معجونی از تن و روان است که یکی فرع است و دیگری جان است و حیات هر یک به میزان سعه وجودی‌اش روان است. انسان عاقل بخوبی فهم می‌کند که جسم و تن متعلق به ماده است و عودت آن به سوی خاک است و نفس و جان از عالم اله بوده و به جانب جانان، شتابان و جاودان است، او عالم است به اینکه شرافت تن به قداست جان و حیات جسم مرهون روح و روان است.

اما برای انسان ظاهر بین که از تأملات عقلی بی نصیب و از تعلیمات دینی شدید التفار و در تأمین حاجات جسم تمام‌الاهتمام است کمال حیات او در همان است.

حیات حقیقی از نگاه امام سجاد(ع)

صحیفه سجادیه امام سجاد(ع)، در حقیقت دارای عالی‌ترین مضامین اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و مبین هدفدارترین نظام مدون حیات فردی و اجتماعی است. امام سجاد(ع) اگرچه بیانات عرش‌خویش را در قالب نیایش و دعا ظاهر ساختند ولی محتوای آن بسی فراتر از اوارد و اذکار است. امام در عصری زندگی می‌کرد که کثیری از مردم غایت انسانی خود را به باده فراموشی گذاشته و به دنبال اهداف پلید دنیوی بودند. آنان در این طریق چنان حریص بودند که هرگز اجازه نمی‌دادند کسی مردم را به حیات عالی انسانی‌شان آگاه سازد لذا امام صلاح و مصلحت مسلمین را در این دید که آنان را با مضامین بلند عرفانی در قالب و وعای دعا ترسیم نماید. دعای مکارم الاخلاق امام(ع) یک منشور جامع برای حیات حقیقی انسان است.

خصائص عالی‌ترین مرتبه حیات در آینه اندیشه امام چنین ترسیم شده است که:

«بلغ بایمانی اکمل الایمان و اجعل یقینی افضل الیقین و انته بنیتی الی احسن النیّات و بعملی الی احسن الاعمال و استفرغ آیامی فیما خلقتنی له و لا تبتلینی بالکبر و عبودی لک ولا تفسد عبادتی بالعجب و اجر للناس علی یدی الخیر وهب لی معالی الاخلاق و اعصمنی من الفخر...» (6)

کمال و بلوغ ایمان، برترین مرتبه یقین به حقیقت هستی، نیکوترین نیت، عالی‌ترین اعمال، هدفداری در زندگی، دوری از کبر و غرور، اجتناب از عجب و خودخواهی، خیر رساندن به مردم، متصف شدن به اوصاف و فضائل اخلاقی و داشتن عزت نفس از جمله صفاتی است که برای وصول به اعلی مرتبه حیات لازم و ضروری است. سیر زندگی با این اوصاف جنبه ارزشی پیدا می‌کند و فقدان این صفات در زندگی انسان مساوی با حیات حیوانی است به همین دلیل امام معصوم(ع) و هر انسان واقعی که جایگاه خویش را در نظام هستی‌یافته باشد خواهان ادامه چنین حیاتی نخواهد بود لذا امام می‌فرماید: «فاذا کان عمری مرتعاً للشیطان فاقبضنی الیک قبل ان یسبق مفتک الیّ او یستحکم غضبک علیّ؛ هرگاه حیات من چراگاه شیطان گردد پیش از آن که غضب تو بر من روی آورد و یا حکم خشم و غضب بر من جاری شود جان مرا

نازالتین مرتبه حیات این است که آدمی صفات انسانی‌اش را از دست داده و شیطان بر او مسلط گردد.

در فرهنگ اهل بیت عصمت (ع) ارزش حیات در انصاف به صفات انسانی و قابلیت برترین مرتبه زندگی و تعلیم به افراد برای زوال حیات حیوانی است همان گونه که امام در صورت گرفتار شدن به این حیات تمنای مرگ دارند. اسلام بزرگترین منادی برای امیدوار کردن به ادامه زندگی است، اما نه هر زندگی بلکه حیات متعالی مناسب با جایگاه رفیع انسانی.

فلسفه حیات در اسلام:

غرض از غایت خلقت انسان از جانب خداوند سبحان، موضوعی نیست که در مباحث جامعه‌شناسی مطرح باشد بلکه این موضوع به بحث انسان‌شناسی مربوط است. اما برای تبیین بعد اجتماعی انسان در اسلام آشنایی با فلسفه خلقت و حکمت حیات، امری لازم و ضروری است، این که غایت خلقت و هدف حیات انسان چیست، در مقام پاسخ به این پرسش غالب عالمان و دانشمندان دینی به این آیه استناد کرده‌اند که خداوند فرمود: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ و من خلق نکردهم هیچ جن و انسی را مگر برای عبادت.» (8)

یعنی با بیان این آیه خواسته‌اند هدف را در حدّ عبادت محصور و محدود نمایند اما غافل از اینکه آیه مزبور یک آیه از قرآن کریم و یک فراز از فرازهای پیام الهی است نه همه قرآن و پیام کامل الهی. با بیان یک آیه نمی‌توان مراد کلی خداوند را در موضوعی فهم کرد بلکه شایسته است به آیات دیگری که در همان موضوع وارد شده تأمل نمود.

اهداف سه گانه حیات:

برای هدف خلقت انسان با توجه به طبیعت و سرشت وجودی‌اش، سه مرتبه طولی را می‌توان بر شمرد، یعنی هر انسانی با توجه به توان و استعداد وجودی‌اش قادر است به آخرین مرتبه هدف خویش دست یابد و نیز با عدم توجه و تلاش در اولین مرحله هم گام نگذارد. آن مراحل سه گانه عبارتند از:

الف - عبادت خداوند سبحان:

یکی از مراحل هدف حیات را مطابق آیه‌ای که بیان شد می‌توان عبادت و طاعت به حق دانست اما این تمام هدف و یا مرحله نهایی هدف حیات نمی‌باشد. خداوند سبحان در این آیه به ابتدائی‌ترین و عام‌ترین مرتبه حیات اشاره فرمود که من جن و انس را برای عبادت خلق کرده‌ام چنان چه سایر مخلوقات به تسبیح و طاعت اشتغال دارند. «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض» (9) «سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض» (10) «و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم.» (11)

بنابراین نمی‌توان گفت که خداوند انسان را فقط برای عبادت خویش آفریده است زیرا که این آیه به نازلترین هدف اشاره دارد و برای افراد مبتدی است. با این وصف می‌توان ادعا کرد که نه تنها عبادت، آخرین غرض خلقت و هدف حیات نیست بلکه می‌توان گفت که عبادت فی نفسه هدف نبوده بلکه وسیله‌ای است برای وصول به اهداف عالی، پس عبادت فی الجمله هدف است نه بالجمله، یعنی عبادت شطر حیات است نه شرط حیات.

ب - عبودیت خداوند:

موهبت حیات به انسان اعطا نشده است که او معرفتی به خالق خویش پیدا کرده و به طاعت او مشغول گردد. اگرچه عبادت جزء لاینفک حیات انسان است اما او برای عبادت خلق نشده بلکه نعمت حیات برای عبودیت به او بخشیده شده است، یعنی حیات انسان باید بستر احیای روح بندگی و وصول به مقام عبودیت در مقابل خداوند سبحان باشد که عبادت زمینه عبودیت است.

بنابراین غایتمندی حیات در راستای عبودیت و بندگی تأمین کننده بخشی از هدف حیات است که مرتبه‌ای برتر از عبادت می‌باشد. اما نمی‌توان انتهای غایت را در این حد هم محدود و محصور دانست زیرا این هدف متوسطین است.

ج - مظهر ربوبیت و ولایت حق:

در بیان دو هدف قبل روشن شد که هدف حیات انسان برای افرادی که در ابتدای مسیرند و هنوز سختی مسیر و تعب طریق را ندیده‌اند عبادت و برای متوسطین عبودیت است. اما هیچ یک از این دو هدف متضمن معنای واقعی غایت حیات نیستند، بلکه هدف نهایی بسی فراتر از این دو (عبادت و عبودیت) است. که آن مظهر ربوبیت و حریت عبد است در لباس عبودیت حق، و این هدف زندگی برای خواص است.

بنابراین هدف خلقت را نباید از ظاهر برخی آیات مثل آیه 56 سوره مبارکه ذاریات در عبادت و بندگی محدود و محصور نمود تا برای برخی از افراد بی اطلاع از حقیقت اسلام این پندار باطل بوجود آید که اسلام مظهر بندگی و بردگی است و اومانیسیم مظهر حریت و آزادی.

فردی که مراحل ابتدائی و متوسطه را پشت سر گذاشته وارد مرحله عالی تحصیل زندگی می‌شود و برای او مدارک قبلی مهم نخواهد بود. خواص از بندگان در مسیر عبادت و عبودیت به مرتبه‌ای نائل شدند که به بسیاری از امور ولایت یافتند. ایشان مراتب ملک و ملکوت را پشت سر نهاده و به افق ولایت بار یافتند حیات و هستی‌شان فراگیر شده و در همه مراتب هستی حضور یابند اما این مقام نیازمند همت و هجرت است. (12)

قرآن و هدف زندگی انسان:

با تحلیل و بررسی از آیات الهی در قرآن کریم مشخص خواهد شد که اهداف سه گانه فرد (هدف ابتدائی و متوسط و عالی) امری نیست که طایفه‌ای از علما گفته و به کتاب و سنت نسبت داده باشند بلکه مشخص است که در متون دینی بیان شده است.

«افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه» (13) کسی را که خداوند در نتیجه زحماتش به او فراخی سینه عطا کرده باشد او مؤید به نور الهی است. آن که به نور هدایت حق تأیید شده است قلب او طرف ذکر خداست و کسی که شریان هستی‌اش را به حقیقت حق سپرده و از مبدأ حقیقی اشراپ می‌شود نمی‌تواند به حیات محدود قانع باشد.

برخی چون از هدف حیات خویش اعراض نموده و به لاطانات دنیا مشغول شدند خداوند حیات هستی‌شان را در تنگنا قرار داده است: «و من اعرض عن ذکرى فان له معیشة ضنکاً» (14)

ولی آنان که هدف را یافته و به مراتبی از آن دست یافتند حیات حسنه‌ای برای خود تدارک دیده‌اند: «قل یا عباد الذین آمنوا اتقوا ربکم للذین احسنوا فی هذه الدنیا حسنة و ارض الله واسعة انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب.» (15) خداوند به ایشان نیکوترین بشارت برای دنیا و آخرت را داده است.

«والذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبودها و انابوا الی الله لهم البشری فبشر عباد.» (16) و بدترین وعید و مذمت را مختص باطل پیشه‌گان نموده است. «ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تمرحون. ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فینس مئوی المتکبرین.» (17) آنان که با آغاز عبادت متصف به وصف عابد شدند و از آن

مرحله به مقام عید رسیدند و از مقام عید به جایگاه عبودیت نائل شدند و از عبودیت به شوؤن ربوبیت دست یافتند که: «العبودية جوهرة كنهها الربوبية» (18) در حقیقت به اهداف عالی حیات خویش واصل شده که ایشان بندگان خالص حقند. «انا اخلصنا هم بخالص ذكرى الدار و انهم عندنا لمن المصطفين الاخيار.» (19) درکات و درجات انسان با توجه به فهم و درکشان در تعیین اهداف رقم می‌خورد، آنان که با آگاهی سطحی و کم عمق خویش اهداف دنیوی را دنبال می‌کنند و حیات و هستی خود را در ماده و نشئه طبیعت محدود ساخته‌اند خداوند نتایج سعی آنان را از ایشان دریغ نمی‌کند. «من كان يريد العاجلة عجلنا له فيها ما نشاء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم يصليها مذموماً مدحوراً» (20) و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «و من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها و ماله فى الآخرة من نصيب.» (21) اما آنان که به مراتبی از معرفت دست یافته و اهداف عالی را تعقیب می‌کنند خداوند رفعت مقامشان را به میزان فهم بلندشان به آنان اعطا می‌کند. «و من اراد الآخرة و سعى لها سعيها و هو مؤمن فاولئك كان سعيهم مشكوراً.» (22) و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «من كان يريد حرث الآخرة نزد له فى حرثه.» (23)

پس با توجه به اختلاف در معرفت افراد، تشدد و تعدد در اهداف ظاهر می‌شود و خداوند سبحان با توجه به ادراک انسان که افراد با سعی و تلاش خویش در ارتقاء آن ایفای نقش می‌کنند فضائل را نصیب شان می‌سازد. «انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض و للآخرة اكبر درجات و اكبر تفضيلاً.» (24) بنابراین هدفی که خداوند سبحان برای تکریم و تعظیم انسان لحاظ نموده با آنچه که غالب بندگان با ادراک و اختیار خویش آن را تعیین می‌کنند متفاوت است ذات ربوبی برترین جایگاه در نظام هستی را برای مقام انسانی ملحوظ داشته اما برخی به نازلترین مرتبه از هدف حیات قانع بوده و بدان بسنده می‌کنند و گروهی با همت عالی خود به نهایت آن توجه داشته و در وصول به آن ساعی‌اند.

پی‌نوشت‌ها: -

1. سوره انفال، آیه 24.
2. سوره نحل، آیه 97.
3. سوره جاثیه، آیه 24.
4. سوره مؤمنون، آیه 37 و سوره انعام، آیه 29.
5. سوره عنکبوت، آیه 26.
6. صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.
7. همان.
8. سوره ذاریات، آیه 56.
9. سوره جمعه، آیه 1 - سوره تغابن، آیه 1.
10. سوره صف، آیه 1، سوره حشر، آیه 1.
11. سوره اسراء، آیه 44.
12. ر.ک: تفسیر موضوعی قرآن (هدایت در قرآن)، ج 16، ص 299.
13. سوره زمر، آیه 22.
14. سوره طه، آیه 124.
15. سوره زمر، آیه 10.
16. همان، آیه 17.
17. سوره فصلت، آیات 76 - 75.
18. مصباح الشریعة، باب صد.
19. سوره ص، آیات 46 - 45.
20. سوره اسراء، آیه 18.
21. سوره شوری، آیه 20.
22. سوره اسراء، آیه 19.
23. سوره شوری، آیه 20.
24. سوره اسراء، آیه 21.

آیه الله جوادى آملی

تهیه و تدوین: حجة الاسلام و المسلمین محمد رضا مصطفی پور

پاسدار اسلام - نش 295 - تیر 85